

**Pathology of Persian Translations of Texts
and Research on Iran-China Relations:
With Emphasis on the Critique on the Book
“Ancient Texts on China-Iran Relations”**

Hamidreza Pashazanous*

Abstract

A considerable part of our knowledge about Iran and its relations with other neighboring civilizations has been based on Greek and Roman texts and sources, some of which have been translated into Persian with acceptable quality. However, there is important information about ancient Iran in the historical texts and archaeological findings discovered in the Far East, especially China. A small number of them have been translated into Persian, which contains errors. Therefore, considering the importance of historical texts and archeological data related to Iran in China, the present article intends to first examine the works related to ‘Iranian-Chinese Relations’, in order to pathologize the Persian translations of these texts and research on Iran-China relations. Then, it seeks to criticize the part related to ancient Iran in the book “*Ancient Texts on China-Iran Relations*”. The most important outcome of this study is the weakness of translators and editors in translating Chinese texts and research into Persian, which in some cases, these weaknesses are the result of important mistakes of the authors of the research in the West.

Keywords: Ancient Iran, China, Chinese Texts, Zhang Xinglang, Zhang Hongnian.

* Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran, h.pasha@ltr.ui.ac.ir, pasha.hamidreza@gmail.com

Date received: 04/09/2021, Date of acceptance: 23/01/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی متون و پژوهش‌های مناسبات ایران و چین: با تأکید بر نقد و بررسی کتاب متون باستانی پیرامون روابط چین و ایران

حمیدرضا پاشا زانوس*

چکیده

بخش قابل ملاحظه‌ای از دانش ما درباره ایران و روابط آن با دیگر تمدن‌های همجوار آن مبتنی بر متون و منابع یونانی و رومی بوده است که بیشتر آنها به فارسی و با کیفیتی قابل قبول ترجمه شده‌اند. این درحالیست که اطلاعات قابل توجهی درباره ایران باستان در متون و یافته‌های باستان‌شناسی مکشوفه در شرق دور و به ویژه چین وجود دارد که تعداد اندکی از آن‌ها به فارسی ترجمه شده است که خالی از اشتباه نیست. از این‌رو و نظر به اهمیت متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی مربوط به ایران در چین، مقاله حاضر بر آن است تا ابتدا با بررسی و دسته‌بندی آثار مربوط به روابط ایران و چین در زبان انگلیسی و فارسی، به آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی متون و پژوهش‌های مناسبات ایران و چین پردازد و سپس، قسمت مربوط به ایران باستان در کتاب *متون باستانی پیرامون روابط چین و ایران* را نقد کند. مهم‌ترین نتیجه حاصل از این بررسی ضعف مترجمان و ویراستاران در برگرداندن متون چینی و پژوهش‌های معتبر به فارسی بوده که در برخی موارد این ضعف‌ها خود نتیجه اشتباه‌های فاحش نویسندگان این آثار در غرب بوده است.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان، چین، متون چینی، جان سین‌لان، جان هون‌نین.

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، h.pasha@ltr.ui.ac.ir، pasha.hamidreza@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین زیربناهای پیشرفت ملت‌ها، میزان گسست و یا پیوند آنها با تاریخ و میراث گذشته‌شان است. چین نمونه تمدنی است که پیوند خود را با تاریخ و گذشته‌اش حفظ کرده است. تاریخ‌نویسی چین از دیرباز در سراسر سلسله ژو با منابع و سالنامه‌های دوره بهار و پاییز و پس از آن جنگ‌های داخلی از قبیل، شان‌شو (Shang Shu)، چون چیو (Chun Qiu) و غیره به صورت ابتدایی حضور فعال داشته است تا اینکه نخستین بار از زمان سیما چیان (Sima Qian (司馬遷)) حدود ۱۴۵-۸۶ ق.م، تاریخ‌نویسی رسمی آغاز شد. کتاب شی جی (Shiji (史記)) تالیف سیما چیان در واقع نخستین اثر از مجموعه به اصطلاح بیست و چهار تاریخ رسمی سلسله‌ای یا جن شی (zhengshi (正史)) است. علاوه بر وجود سنت تاریخ‌نویسی قوی، نقش پررنگ آموزه‌های کنفوسیوس در تعلیم و آموزش نخبگان اداری و غیر اداری چین که روحیه انطباق‌پذیری با شرایط جدید از جمله حملات اقوامی چون مغولان را سده‌ها به مردم چین آموخته بود، باعث شد تا چین اصول تمدن اولیه خود را حفظ کند و با اخذ عوامل کلیدی توسعه غرب، به تدریج به یک قدرت طراز اول تبدیل شود. شناخت تمدن چین با چنین مولفه‌های قدرتمند و بررسی تطبیقی آن با تمدن ایران باستان یکی از موثرترین شیوه‌های واکاوی و یادگیری دلایل پیشرفت چین و رسیدن آن به جایگاه کنونی‌شان است.

با توجه به جایگاه چین در جهان امروز مدت‌هاست که بیش از صد دپارتمان مطالعات چین در آمریکا و ده‌ها دپارتمان مشابه در اروپا تاسیس شده است. این مراکز، آثار و تحقیقات کیفی و ارزشمندی را هر ساله به چاپ رسانده و زوایای مختلف تمدن چین را مورد واکاوی قرار می‌دهند. نگاه به چین در غرب در حالی هر روز جامع‌تر می‌گردد که در کشور ما حتی یک دپارتمان مطالعات چین وجود ندارد و این امر خود باعث چاپ آثاری اندک و نسبتاً ضعیف به زبان فارسی درباره چین شده است. اغلب این آثار ترجمه از متون انگلیسی یا چینی هستند که به‌خاطر عدم آشنایی مترجمان با تاریخ و فرهنگ چین، اشتباه‌های فراوانی دارند. در نوشتار حاضر سعی شده است تا در ابتدا وضعیت تالیف و ترجمه‌های مربوط به تاریخ و فرهنگ چین در زبان فارسی مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در ادامه یکی از مهم‌ترین آثار مربوط به تاریخ باستان چین که حاوی اطلاعات مهمی درباره ایران و ایرانیان در متون تاریخی چین باستان است، به نقد کشیده شود. از این رو مهم‌ترین

مسئله تحقیق حاضر این است تا کیفیت آثار مربوط به روابط ایران و چین را واکاوی کند. مدعای نویسنده این است که با توجه به نبود آگاهی لازم و معیار سنجش مناسب در جامعه علمی ایران، این آثار با کیفیتی نازل منتشر شده‌اند.

۲. آسیب‌شناسی تالیف و ترجمه‌های فارسی مناسبات ایران و چین

۱.۲ تالیف‌های فارسی

به دلیل روابط تاریخی ایران و چین و اینکه از کهن‌ترین دوره‌ها توسط جاده‌های معروف به جاده ابریشم با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند، مطالعات مربوط به روابط ایران و چین از دیرباز در چین مورد توجه بوده است. تا کنون صدها مقاله و کتاب در مورد ایران باستان و آثار مکشوفه ایرانی در چین چاپ شده است. برای نمونه تنها رون شین جیان (Rong Xinjiang) ده‌ها مقاله در مورد ایران و فرهنگ‌های زیر مجموعه آن در چین نوشته است (Rong Xinjiang 2000: 7-8; Ibid 2006: 147). نویسندگان ایرانی عمدتاً در نیمه دوم قرن بیستم تحقیقاتی در مورد این موضوع انجام دادند که شامل چند کتاب که کم‌تر از تعداد انگشتان یک دست است و چندین مقاله که عمدتاً کیفیت نازلی دارند، می‌شود. برخلاف چین و ایران، پژوهشگران غربی دارای دو قرن سابقه تحقیق در رابطه با ایران و چین هستند. با این حال روابط ایران و چین در دوره پیش از مغولان، حتی در میان مورخان غربی هم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه همین مقدار هم به هیچ وجه قابل مقایسه با تحقیقات داخل ایران نیست. در این قسمت سعی شده است تا مهم‌ترین متون و آثار مربوط به روابط ایران و چین معرفی شود تا کمیّت و کیفیت آثار این حوزه برای خوانندگان مشخص شود. بحث حاضر خود کمبود جدی مطالعات این حوزه در ایران را روشن می‌سازد. به ویژه که بیشتر متون چینی مربوط به ایرانی‌ها در چین به زبان‌های مختلف ترجمه شدند ولی هنوز ترجمه منقح و پاکیزه از این متون در زبان فارسی وجود ندارد.

همان‌طور که اشاره شد، تحقیقات در مورد ایرانیان در چین از نیمه دوم قرن بیستم در ایران شروع شد. از جمله قدیم‌ترین این آثار کتاب *ایران به روایت چین باستان* تالیف عباس تشکری است که در سال ۱۳۵۶ چاپ شده است. اگرچه این اثر در زمان خود اثری ارزشمند بوده است اما خالی از اشتباه نیست. برای نمونه نویسنده در مقدمه بر استفاده از

متون چینی در کتاب خویش تاکید می‌کند اما در ادامه در قسمت اشکانیان، نویسنده به قسمت‌هایی از تاریخ هانشو و هوهانشو که حاوی اطلاعات بسیار مهم در مورد پایتخت‌های اشکانیان (هدو (Hedu) و فاندو (Fandou)) و دیگر شهرهای اشکانی است، اشاره‌ای ندارد. همین‌طور در قسمت مربوط به تجارت دریایی بین چین و ایران، نویسنده به حضور ایرانیان در دریای چین اشاره دارد (تشکری ۱۳۵۶: ۴۲-۴۳). اگرچه در اوایل قرن بیستم، بعضی از محققین به تماس مستقیم بین چین و ایران از طریق خلیج فارس در اواخر دوره ساسانی معتقد بودند، اما در چند دهه اخیر، برخی نیز استدلال کردند که بازرگانان ساسانی معمولاً تولیدات چین و آسیای جنوب شرق را در بنادر سیلان در جنوب هند مبادله می‌کردند، اما خودشان به بنادر چین نمی‌رفتند (Hourani, 1947:157)

از دیگر آثاری که در ارتباط با مناسبات ایران و چین به زبان فارسی تالیف شده است، کتاب تاریخ روابط ایران و چین تالیف علاءالدین آذری است. این کتاب به مناسبات ایران و چین از دوره اساطیری تا عصر حاضر در ۱۹۶ صفحه می‌پردازد. با توجه به موضوع وسیع کتاب مشخص است که اطلاعات اندکی درباره دوره باستان در بر دارد و اطلاعات آن به همراه اثر تشکری در ایران تا کنون مأخذ اصلی مورخان بوده است (آذری ۱۳۴۹: ۱۹۱-۱۹۴). برخلاف تشکری که در اثر خویش تا حدودی از منابع چینی استفاده کرده است، نویسنده کتاب تاریخ روابط ایران و چین به علت عدم آشنایی با زبان چینی به طور مستقیم به منابع چینی مراجعه نکرده است (همان، ۱۹۳-۱۹۶). برخی از نویسندگان نیز به مانند شیرین بیانی در مقاله خود با عنوان «نظری به روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب» از متون چینی استفاده کرده‌اند که خود شایسته تقدیر است، اما عدم تسلط بر زبان چینی باعث شد تا اثرشان حاوی اشتباه باشد. برای نمونه بیانی به نقل از شی جی آورده که اشکانیان از نقره سکه ضرب می‌کردند (بیانی ۱۳۵۰: ۲۳). درحالی‌که ضرب سکه نقره توسط اشکانیان در هان شو گزارش شده است (Ban Gu 1959, 96a: 3889). از دیگر ضعف‌های آثاری که به زبان فارسی تالیف شده‌اند، وجود اشکال‌های متعدد در تلفظ اسامی چینی همراه با اطلاعات غلط در توصیف آن‌ها است. برای نمونه، بیانی در مقاله خود می‌نویسد «در حدود سال ۱۲۸ ق.م یکی از سیاحان معروف چینی به نام چانگ-کین به حدود باختر سفر کرده...» (بیانی ۱۳۵۰: ۲۳). این درحالیست که جان‌چیان فرستاده رسمی دربار هان بود و نمی‌توان وی را سیاح نامید. از این رو در استفاده از این آثار همواره می‌بایست جانب احتیاط را حفظ کرد.

۲.۲ ترجمه‌های فارسی

اگرچه در زبان‌های انگلیسی و چینی آثار ارزشمندی در مورد موضوع حاضر نوشته شده، اما تعداد اندکی از این آثار به فارسی ترجمه شده‌اند. عمده متون اولیه چینی، اکنون به بیش از یک زبان خارجی ترجمه شده و در دسترس است. در این اندازه که مورخ یا باستان‌شناسی که دانش خاصی در مورد زبان چینی ندارد هم می‌تواند به راحتی از آنان استفاده کند. با این وجود، سوء برداشت می‌تواند از خوانش غیرنقادانه متون پدید آید و وضعیت به دلیل فقدان شواهد مستدل از باقی مانده‌های آثار باستان‌شناسی به ویژه در دوره اشکانی بیشتر پیچیده شده‌است. از جمله مهم‌ترین آثاری که به فارسی ترجمه شده، مقاله «ایران و چین» تالیف ویلیام واتسن در تاریخ کمبریج است (واتسن ۱۳۸۳: ۶۴۹). این مقاله با رویکرد فرهنگی بیشتر بر روابط فرهنگی چین و ایران تاکید دارد و به جهت ذکر داده‌های نو در باستان‌شناسی مفید است. اما در برخی نکات اطلاعات آن ناقص و یا اشتباه است. برای مثال نویسنده به نقل از متون چینی می‌نویسد که «چینی‌ها پارت را به نام تختگاه آن انطاکیه-مرو، ان-هسی می‌شناختند» (واتسن ۱۳۸۳: ۶۵۴). اگر چه این گزارش درست است اما استفاده از نام پارت برای اشکانیان اشتباه است. درحالی که اشکانیان شاهان خود را اشک نامیده و سلسله آن‌ها اشکانی نام داشته‌است، ضروری بود تا نویسنده از نام اشکانی استفاده می‌کرد. به ویژه که این نام بهتر می‌تواند چرایی استفاده چینی‌ها از واژه آن‌شی یا آن‌سی (Anxi(安息)) را که در حقیقت رونوشتی از نام اشک است، توجیه کند (Sima Qian, 1959: 3162-63, 3169-70).

دیگر اثر مهمی که به فارسی نیز ترجمه شده است مقاله وان تائو (Wang Tao) با عنوان «پارت‌ها در چین: بازبینی گزارش‌های تاریخی» است. مترجم در ضبط اسامی خاص دقت داشته و حتی گزارش‌های مرتبط با ایران اشکانی را در متون چینی و به خط کلاسیک چینی در مقاله ذکر کرده‌است که خود از نقاط قوت این ترجمه‌است (وانگ تائو، ۱۳۹۳: ۱۱۵). اما استفاده از نام پارتیان به مانند مقاله واتسن از اشکال‌های این مقاله است. مقاله حاوی غلط‌های محتوایی نیز است. برای نمونه نویسنده می‌نویسد که: «فریدریش هرت (چین‌شناس آلمانی) استدلال کرد که آن‌شی به هکاتومپولیس، آمان به اکباتانه، سیبین به تیسفون و یولوئو به هترا اشاره دارد» (وانگ تائو، ۱۳۹۳: ۱۲۶). درحالی‌که هرت در اثر خویش «یولوئو» را نه با هترا بلکه با حیره یکی می‌داند. (Hirth, 1885: 39) لازم به ذکر است

که این اشکال متوجه ترجمه فارسی نیست و در اصل مقاله این اشتباه توسط وان تائو ذکر شده است (Wang Tao, 2007: 98).

از دیگر اشکال‌های مرسوم در مقالات ترجمه شده به فارسی که خود ناشی از اصل ترجمه بوده، استفاده ناقص از اطلاعات متون چینی است. برای نمونه در مقاله واتسن، محقق محترم بر طبق متون تانگ اظهار می‌کند که پیروز با کمک سردار چینی از حدود سال ۶۷۰ تا ۷۰۸ م در تلاش برای باز پس‌گیری تاج و تخت از دست رفته بود (واتسن ۱۳۸۳: ۶۵۹). این درحالیست که پیروز سال ۶۷۹ م درگذشت و پس از وی پسرش نرسه تا سال ۷۰۸ م در تخارستان حکومت می‌کرد. (Compareti, 2009) اشتباه فوق خود ناشی از آن است که شرح واپسین ساسانیان در جیوتانگ‌شو^۱ مبهم است و احتمالاً خطاهایی دارد (Compareti, 2009). برای مثال بخشی که به پیروز (Beilusi (卑路斯)) مربوط است کاملاً با آنچه در شین‌تانگ‌شو^۲ آمده، متفاوت است. مطابق تاریخ قدیم تانگ، دربار تانگ فرمانده‌ای موسوم به پی‌شین‌جیان (裴行儉) (Péi Xíng Jiǎn) را به کمک پیروز فرستاد اما وی پس از شکست خان ترک، پیروز را رها کرد (Liu Xu, 1975: 5311-5313). درحالی که تاریخ جدید تانگ گزارش می‌دهد که پی‌شین‌جیان به نرسه یاری رساند (Ou Yangxiu, 1975: 6258-6260).

این اشتباه در دیگر ترجمه‌های فارسی از پژوهش‌های غربی نیز دیده می‌شود. برای نمونه تورج دریایی در مقاله «فرزندان و نوادگان یزدگرد سوم در چین» می‌نویسد که نرسه سی سال با اعراب جنگید (دریایی ۱۳۹۲: ۱۱۴). این درحالیست که در تاریخ جدید تانگ بیست سال گزارش شده است (Ou Yangxiu, 1975: 6258-6260). اشتباه روایات مربوط به یزدگرد و بازماندگانش در تالیفات فارسی نیز دید می‌شود، برای مثال کتاب میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین «بنادر گوانجو، چوانجو، خانجو» که اطلاعات دست اول و ارزش‌مندی درباره تبادلات فرهنگی ایران و چین در دوره باستان دارد، آورده که نخستین تماس ساسانیان و دربار تانگ در سال ۶۴۸ م بوده است (وثوقی ۱۳۹۵: ۵۸-۵۹). درحالی که مطابق تاریخ جدید تانگ و دانشنامه زه فو یوان گوئی، اولین فرستاده در سال ۶۳۹/۴۰ م اعزام شد که موس‌پان (Mo-se-pan (没似半)) - احتمالاً همان مرزبان - در رأس آن قرار داشت (Ou Yangxiu, 1975: 6258-6260).

اشتباه در تحقیقات مربوط به ایران و چین تنها محدود به نوشته‌های فارسی نیست بلکه برخی از تالیف‌های محققان غربی که ایضاً به زبان فارسی نیز برگردانده شده‌اند، حاوی غلط‌هایی فاحش هستند. برای نمونه در تحقیق‌هایی که در مورد پیروز فرزند یزدگرد سوم و پناه وی به دربار تانگ نوشته شده، بارها اشاره شده که هم اکنون کتیبه‌ای بر پشت پایه مجسمه پیروز در مقبره چیان‌لین^۳ (Qianling) در شی‌آن (Xi'an) چین وجود دارد که مضمون آن عبارت است از:

右骁衛大將軍兼波斯都督波斯王卑路斯

Zòu xiāowèi dà jiàngjūn jiān bōsī dūdū bōsī wáng bēilùsī

«پیروز، شاه پارس، فرمانده بزرگ گارد دلیر راست و فرمانده کل پارس»

از جمله متقدمانی که در غرب به این کتیبه اشاره کرده‌اند آنتونینو فورته (Antonino Forte) است. فورته نوشت که «مجسمه واقعاً به پیروز تعلق دارد و این ادعا با کتیبه‌ای که هنوز هم در پشت آن قابل خواندن است، بی‌چون و چرا تصدیق می‌شود» (Forte 1996: 404) متیو کمپرتی (Matteo Compareti) و تورج دریایی نیز در ادامه گزارش فورته را تکرار کرده و به وجود کتیبه در پشت پایه ستون و یا پشت مجسمه‌های بی‌سر پیروز و نان‌می (Nanmei) اشاره کرده‌اند (Compareti 2009; Daryaei 2003: 542). اگرچه این محققان درباره بازماندگان یزدگرد سوم در چین، مطالعات ارزشمندی داشته‌اند که منجر به افزایش اطلاعات ما درباره تاریخ ساسانی شده است اما به نظر می‌رسد که در این مورد، اشتباهی رخ داده است و حقیقت این است که هیچ کتیبه‌ای بر پشت پایه این مجسمه‌ها حک نشده و کتیبه‌ها بر ستون فقرات پشت مجسمه نوشته شده بودند. ظاهراً فورته، دریایی و کمپرتی متوجه نشدند که دو کتیبه پیروز و نان‌می حداقل قبل از سال ۱۹۵۸ م فرسایش یافته و دیگر بر پشت مجسمه‌ها وجود ندارند.

به عبارت دیگر، امروزه این مجسمه‌ها، هیچ کتیبه‌ای حاوی نام و عنوان پیروز و نان‌می بر خود ندارند. فورته، در اثر خود (On the So-Called Abraham from Persia) که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد، بیشتر از اطلاعات چن گواکن (Chen Guocan(陈国灿)) استفاده کرده است. چن گواکن در مقاله خویش «تحقیقات درباره مجسمه‌های سنگی چیان‌لین و عناوین آنها» (Tang Qianling shirenxiang jiqi) (唐乾陵石人像及其命名的研究) چاپ شده است، مجسمه مقامات عالی رتبه خارجی در مقبره چیان‌لین را بررسی کرد. این مقاله مبتنی بر اطلاعات دقیق و مستند از

متون تاریخی چین و منابع باستان‌شناختی است که در چند دهه اخیر به مأخذ اصلی درباره پیروز در چین تبدیل شده‌اند.

چن گواکن در مقاله خود، اظهار داشت که در سال ۱۹۵۸، کمیته مدیریت آثار فرهنگی استان شانشی (Shaanxi)، بررسی جامعی در چیان‌لین انجام داد و دریافت که فقط کتیبه‌های بر پشت شش مجسمه از شصت و چهار مجسمه قابل شناسایی است و بقیه کتیبه‌ها فرسایش یافته و از بین رفته‌اند. (Chen Guocan 1980: 190) در رونوشتی که از این شش کتیبه تهیه کردند، کتیبه‌ای با نام و عنوان پیروز و نامی وجود ندارد. این یعنی که کتیبه‌های بر روی مجسمه پیروز و نامی قبل از سال ۱۹۵۸ فرسایش یافته است. با وجود از بین رفتن این دو کتیبه، فورته به اشتباه اظهار داشت که کتیبه‌های حاوی نام پیروز و نامی هنوز هم در پشت مجسمه آن‌ها قابل خواندن است (Forte 1996: 404). در بازدیدی که از مقبره چیان‌لین در ماه مه ۲۰۱۶ انجام شده است، مشاهده شد که تنها هفت کتیبه وجود دارد که شش مورد از آنها هنوز هم قابل خواندن هستند (Pasha zanous et al 2018: 503). این واقعیت که امروز هیچ نوشته‌ای روی این مجسمه‌ها وجود ندارد، یک چالش مهم برای محققان غربی است. درحقیقت پرسشی که مطرح می‌گردد همانا این است که اگر هیچ کتیبه‌ای حاوی نام‌های پیروز و نامی در بین مجسمه‌های فوق نیست، پس چگونه محققان چینی و غربی اظهار کرده‌اند که مجسمه‌های پیروز و نامی در بین شصت و چهار مجسمه خارجی در ورودی مقبره چیان‌لین قرار دارند؟ پاسخ به این پرسش آسان است. اگرچه این کتیبه‌ها هم اکنون بر پشت مجسمه‌های خود وجود ندارد اما محتویات و اطلاعات دقیق این کتیبه‌ها در متون تاریخی چین ثبت شده است. چن گواکن نیز نام و عنوان پیروز و نامی را از برخی متون تاریخی چینی مانند کتاب چانگ‌آن جی‌تو (Chang'an Zhitu (长安志图)) نوشته لی‌هائوون (Li Haowen) گرفته است. به گفته چن گواکن، مجسمه‌ها در حدود سال ۷۰۵ م ساخته شده‌اند. (Chen Guocan 1980: 190) به تدریج مقامات سلسله‌های بعدی چین مشاهده کردند که این کتیبه‌ها در حال نابودی است و به همین جهت اقدام به ثبت اطلاعات این کتیبه‌ها در لوح‌های مختلف کردند که در کنار مجسمه‌ها گذاشته شدند (Ibid: 190) حفظ اطلاعات این کتیبه‌ها در سال‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد و همینطور لی‌هائوون در حدود سال ۱۳۲۱ م متن این کتیبه‌ها را در اثر خود چانگ‌آن جی‌تو گزارش کرد. در گزارش وی تنها متن سی و نه کتیبه گزارش شده است که حکایت از فرسایش و نابودی دیگر کتیبه‌ها دارد. همانطور که وی اشاره می‌کند که

سی‌ودو مجسمه در سمت راست (شکل ۱) و بیست و نه مجسمه در سمت چپ (شکل ۲) دروازه مقبره وجود دارد که خود نشان از نابودی برخی مجسمه‌ها دارد (Pashazanous et al 2018: 503). گزارش‌های دوره مینگ اشاره دارد که در پی حوادث مختلف سرهای بیش‌تر مجسمه‌ها مفقود شده بود.

از دیگر اطلاعاتی که به صورت اشتباه و ناقص توسط محققین غربی در مورد پیروز نوشته شده است، توصیف آن‌ها درباره سر مجسمه‌های مقبره چیان‌لین است. برای مثال متیو کمپرتی و تورج دریایی در آثار خود اشاره کرده‌اند که مجسمه پیروز و دیگر مجسمه‌ها بدون سر هستند (دریایی ۱۳۹۲: ۱۱۴; Compareti 2009). اما قسمت‌هایی از سرهای دو مجسمه کشف شده که با دو مجسمه در سمت راست مطابقت دارد (Pashazanous et al 2018: 509-510). اگرچه مشخص نیست که این سرها به کدام مجسمه‌ها تعلق دارد، با این حال، یکی از این دو سر دارای موه‌های مجعد و سبیل پارتی است (شکل‌های ۳ و ۴) که احتمال بسیار در سال ۱۹۷۱ کشف شده است (Fan, Yingfeng et al 2005: 145; Zhou 2009: 233). آرایش مو و چهره آن بسیار مشابه نقش برجسته‌های سنگی ایران باستان و سبک سنتی پادشاهان ساسانی است (Hinze 1969, pls. 51 ff; Göbl 1971, pls. 1-15). هنری اشکانی و ساسانی نشان از این دارد که این سر احتمالاً متعلق به یک شاهزاده ساسانی باشد که در قسمت‌های شرقی قلمرو ساسانیان حکومت می‌کرد جایی که حضور هنر و سنت‌های اشکانی پررنگ بود. علاوه بر این، ویژگی‌های آرایش چهره و موهای این سر بسیار شبیه به نوع صورت یک شاهزاده در حال ضیافت منقش بر بشقاب نقره‌ای مطلا مکشوفه در لوگوکا (Lugovka) روسیه است که در سال ۱۹۰۹ یافت شده است. بشقاب لوگوکا (Lugovka) در شرق ایران یا دقیق‌تر در تخارستان جایی که پیروز و نرسه بازماندگان یزدگرد سوم حکومت می‌کردند، تولید شده است (Marshak 1986: 276-278). آگوستینی و استارک نیز پیشنهاد مارشاک را تأیید کردند و بشقاب لوگوکا را به بازماندگان یزدگرد منصوب دانستند (Agostini and Stark, 2016: 32-33). با توجه به جایگاه و القاب پیروز و نرسه در دربار تانگ، به نظر می‌رسد که هر دو آن‌ها برای دربار چین با شاهان پارسی هم تراز بودند تا حدی که دربار تانگ مجسمه‌ای برای آن‌ها برپا کرد. بنابراین، می‌توان گفت که سر مجسمه مذکور به یکی از این دو شاهزاده تعلق دارد.

۳. کتاب متون باستانی پیرامون روابط چین و ایران

۱.۳ معرفی اثر

کتاب *متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران (از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری)* در حقیقت بخش دوم از جلد سوم اثری جامع در شش جلد با عنوان مجموعه *مواد تاریخی روابط چین و مناطق غربی (The Collection of the Historical Materials of Communications between China and the West (《中西交通史料汇编》))* به قلم جان سین‌لان (Zhang Xinglang) است. این شش جلد که در ۱۹۳۰ در چین چاپ شده است (Zhang Xinglang 1977: 1)، اطلاعات جامعی دربارهٔ مناسبات چین با کشورهای همسایه و ملل دوردست دارد. نویسنده تلاش کرده‌است تا با جمع‌آوری منابع دست اول و متون تاریخی چین در طی سال‌ها سفر به اقصی نقاط چین اثری متفاوت و جامع تهیه کند. جان هون‌نین در مقدمه کتاب می‌نویسد که ترجمهٔ بخش دوم از جلد سوم مجموعه *مواد تاریخی روابط چین و مناطق غربی* در سال ۱۹۹۵ از سوی مرکز پژوهش‌های فرهنگ ایران دانشگاه پکن و پیشنهاد دکتر سید جعفر شهیدی به وی واگذار شد و وی سرانجام آن را به آقای دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور سپرد تا ویرایش و چاپ کند. ایشان در ادامه همان اثر اضافه می‌کند که ترجمهٔ آن نتیجه همکاری ایشان و دکتر اسماعیل‌پور است و آقای اسماعیل‌پور ویراستاری و اصلاحات ترجمه را برعهده داشتند (جان سین لیان ۱۳۸۵: ۱۸-۱۹).

۲.۳ معرفی نویسنده

جان سین‌لان (Zhang Xinglang) متولد ۱۸۸۸ م در ناحیه سی‌یان (Siyang) در استان جیان‌سو (Jiangsu) است. وی محقق سرشناس در تاریخ روابط چین و تمدن‌های همسایه آن بود. اثر وی *مجموعهٔ مواد تاریخی روابط چین و مناطق غربی* است که در بالا بدان اشاره شد. پدر جان سین‌لان جغرافی‌دان بود که در چین شهرتی بسیار داشت (Ma Baozhu 2007: 66). در سال ۱۹۰۶ م، وی برای تحصیل با بورسیهٔ دولتی به ایالات متحده رفت و در سال ۱۹۰۹ م، از دانشگاه هاروارد فارغ التحصیل شد. فعالیت‌های پرثمر وی در حوزه مطالعهٔ متون و منابع کهن چین باعث شد تا در ۱۹۲۷ م به عنوان استاد گروه تاریخ دانشگاه

آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی متون و ... (حمیدرضا پاشا زانوس) ۶۳

کاتولیک فوجن (Fu Jen Catholic) در تایوان استخدام شود و در آنجا واحدهایی نظیر «تاریخ روابط چین و غرب» را تدریس کند. جان سین‌لان نهایتاً در سال ۱۹۵۱ م در پکن درگذشت (Li Donghua 2017: 69).

۳.۳ معرفی مترجم چینی

جان هون‌نین (Zhang Hongnian) در سال ۱۹۳۱ م در ناحیه یون‌چین (Yongqing) استان هبی (Hebei) به دنیا آمد. وی تا سال ۱۹۶۰ در رشته‌های زبان روسی و فارسی از دانشگاه پکن فارغ‌التحصیل شد. از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ در دانشگاه پکن زبان فارسی تدریس می‌کرد و و تا سال ۲۰۰۴ عضو انجمن پژوهش ادبیات فارسی چین بود. وی بارها برای آثار خود درباره فرهنگ ایران و همین‌طور ترجمه‌های خود از متون کلاسیک ایران مانند شاهنامه و گلستان سعدی، از سوی نهادهای مختلف در ایران مورد تقدیر قرار گرفت و در سال ۲۰۰۰ رئیس جمهور ایران به وی لوح افتخار داد (Zhang Hongnian 2003: introduction).

۴. نقد اثر

۱.۴ فصل‌بندی‌های اثر

کتاب *متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران* توسط پژوهشکده زبان و گویش سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است. علی‌رغم اهمیت بسیار این کتاب، در زبان فارسی ۱۱۰۰ نسخه و تنها یک بار چاپ شده است. کتاب دارای دوازده فصل بوده و فصل اول تا پایان فصل ششم کتاب به روابط چین با ایرانیان باستان پرداخته است. این کتاب نسبتاً از گویایی زبان و رسایی بیان کافی بهره‌مند است و مترجم چینی به‌خاطر تسلط به زبان فارسی و بهره‌مندی از قدرت نویسندگی خویش توانسته است که ترجمه نسبتاً روانی ارائه کند، اما این به معنای تبحر ویژه مترجم و ویراستار محترم در ترجمه منابع و آثار تاریخی نیست. کتاب از روی متن چینی به فارسی ترجمه شده است و حاوی اطلاعات ارزشمند در متون چینی و داده‌های باستان‌شناختی در چین درباره ایران است. ترجمه برخی از مطالب، از ترجمه تخصصی فاصله گرفته‌اند که خود غلط‌هایی را در ترجمه باعث شد. مترجم یا ویراستار در ترجمه برخی اسامی خاص به دلیل ضعف دانش

تاریخی دچار اشتباه شده‌اند. برای نمونه، «مان جو فو» که در سال سیزدهم یون یوان (۱۰۲۰ م.) شیر و پرندگان بزرگ سرزمین عرب را به دربار هان هدیه کرد، به اشتباه «مهرداد اول» دانسته شده است (جان سین لیان، ۱۳۸۵: ۳۶). در حالی که سال ۱۰۲ میلادی مربوط است به زمان حکومت پاکور دوم (۷۸-۱۰۵ م.) و دوره مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ ق.م). بیش از دو سده قبل از آن است. پانوشت مفصل در یک اثر علاوه بر برقراری ارتباط بیشتر و بهینه بین متن و ذهن خواننده، نشان دهنده دانش و تسلط مترجم بر موضوع و مفاهیم کتاب است، اما جان هون‌نین در ترجمه خویش، پانوشت و توضیحات تکمیلی اندک آورده و به یقین می‌توان گفت که بیشتر کتاب فاقد هرگونه توضیح ضروری چون معادل انگلیسی اسامی در پانوشت است که تلفظ درست آنها را با مشکل مواجه می‌کند.

۲.۴ نقد محتوایی و ایرادهای نگارشی

همان‌طور که گفته شد اگرچه برخی اسامی در پانوشت کتاب توضیح داده می‌شوند اما حتی در توضیح اسامی مکان‌ها معادل لاتین بسیاری از آنها ذکر نمی‌شود. برای نمونه در فصل اول و در صفحه ۳۱ کتاب نام «داوان» بدون معادل لاتین می‌آید که خود تلفظ اشتباه دایوان یا دیوان ((Dà yuān (大宛) است (جان سین لیان، ۱۳۸۵: ۳۱). این نام از ترکیب د (Da) به معنی بزرگ و یوان ساخته شده است که نام فرغانه در متون چینی است (Sima Qian, 1959: 3162-63, 3169-70). همین‌طور در همان صفحه نام دیواجی (大月 Dayue zhi) (氏) را به اشتباه داژوجی ترجمه کرده است (جان سین لیان ۱۳۸۵: ۳۱). این آشفتگی و اشتباه در ذکر اسامی کشورها، عدم ذکر معادل لاتین یا چینی و نبود توضیح ادامه می‌یابد. در صفحه ۳۳ مترجم می‌آورد:

در آن زمان کشورهایی مانند هوان چیان (در واقع سرزمین سغد) دادائی (مملکتی از تاجیک‌ها در غرب فرغانه) و کشورهایی مانند گوش، هان شین، شوشه که همه در شرق فرغانه قرار دارند، سفیران خود را همراه سفیران دربار هان به چین فرستادند.

اگر چه در مورد برخی اسامی توضیح مختصری آمده است، اما برخی از این توضیحات اشتباه است. برای نمونه، هوان (Huan) و چیان (Ts'ien) نام دو کشور در غرب فرغانه است (Hirth 1917: 107) که مترجم محترم آن را یک کشور دانسته که به زعم ایشان همان

سرزمین سغد است (جان سین لیان ۱۳۸۵: ۳۲). این درحالی‌ست که در متون چینی نام سغد به صورت کان‌جو (Kangju (康居) آمده است. اولین شواهد در متون چینی از حضور سغدیان در چین در سال‌های ۱۱ و ۲۹ پیش از میلاد را می‌توان در هان‌شو (Hanshu) یافت. کان‌جو مرکز ناحیه‌ای بود که امروزه در جنوب تاشکند قرار دارد و در خلال قرن اول پیش از میلاد سغدیان در آن می‌زیستند (De la Vaissière 2003: 23). در قرن اول پیش از میلاد بیشتر سرزمین سغد، بخشی از یک دولت بزرگ چادرنشین گردید که کان‌جو در میانهٔ سیر دریا، مرکز آن بود (Rong Xinjiang 2006: 147-148). همین‌طور ضبط نام کشورهای گوسی، هان‌شین و شوشه که اشتباه هستند، در اصل به صورت کوشی (Ku-shi)، هان‌می (Han-mi) و سوشه (Su-hie) بوده است (Hirth 1917: 107).

در ادامه مترجم هنگام نقل از کتاب هان‌شو نام کشور اووای شان‌لی (烏弋山離) (Wuyishanli) در همسایگی آن‌شی را به صورت‌های مختلف اووای شان‌لی (ص ۳۳)، اووای شاه‌لی (ص ۳۶) ذکر می‌کند که نشان از عدم توجه در ضرورت استفاده از ضبط یک تلفظ دارد. همین‌طور از ذکر معادل لاتین مکان‌ها به مانند «فاندو» پایتخت اشکانیان خودداری می‌کند.

جدول ۱. اسامی مکان‌ها.

توضیحات	شکل صحیح همان اسم‌ها در متون چینی و معادل لاتین و چینی آنها	اسم‌های مکان حاوی غلط‌های تخصصی و تاپی در کتاب	شماره صفحه
	دائی یا تائی (Ta-i)	دادائی	۳۳
	امان (A-man, 阿蠻)	عمان	۳۶
	یولوئو (Yuluo, 于羅)	کشور لو	۳۶
نام دو شهر بزرگ در امپراتوری وی شمالی	زاهو (Zahu, 雜胡) و دین‌لین (Dingling, 丁零)	«شهین» و «دین»	۶۱
	جن‌شین (Jingxing, 井陘)	جن جن	۶۲
منظور از رورو همان خاقانات روران (Rouran Khaganate) است.	رورو (rúró, 蠕蠕)	ژوژو	۶۳
کوه‌های پامیر	چون‌لین (Cōnglǐng, 蔥嶺)	زولین	۶۵
رود دجله	رود داخه (dá hé shuǐ, 達曷水)	رود داگه	۶۹

نبود معادل لاتین و چینی بسیاری از اسم‌های مکان در کتاب، در مورد نام‌های اشخاص نیز تکرار می‌شود. از همان ابتدای فصل اول مترجم تنها در ذکر نام اشخاصی چون سی-ماچان (Sui Machan) از معادل لاتین بهره‌می‌گیرد. اگرچه تلفظ این نام نیز به صورت پی او جی (POJ) آمده است که لاتین‌نویسی نادر و نامعمول زبان چینی است. از این‌رو بهتر بود تا به شیوه پین‌یین (Pinyin) که خواننده با آن مانوس است، سی‌ماچین (Sima Qian) ذکر می‌شد. ذکر اسامی لاتین گاهی به صورت ناقص نیز انجام می‌شود. برای نمونه، در حالی‌که جان سین‌لان (Zhang Xinglang) نام صحیح نویسنده و جان هون‌نین (Zhang Hongnian) نام صحیح مترجم کتاب است، بارها این نام‌ها به شکل‌های جانگ شینگ لیانگ (Zhang Xingliang) یا جان سین‌لیان (Zhang Xingliang) و جانگ هونگنین (Zhang Hongnien) در شناسه و مقدمه کتاب آمده‌است.

فصل دوم به شرح حال برخی از راهبان ایرانی‌الاصل در چین پرداخته و آثارشان را معرفی کرده است. همانطور که در تحقیقات جدید تاکید شده‌است راهبان بودایی به مانند آن‌شی گائو (安世高) و آن‌سیوان (An Hsüan (Xuan)) پایه‌گذار مکتب بودیسم در چین بودند (تجدد ۱۳۷۹: ۳۷۲). مترجم محترم معادل لاتین و چینی نام این راهبان، اسامی کتاب‌ها و مکان زندگیشان را نیاورده که خود باعث سردرگمی خواننده در فهم تلفظ این نام‌ها شده‌است. در صفحه ۴۶ آمده‌است که «در سال‌های میانه ژن شنو (۲۰۱-۲۰۵ م.) در دوره حکومت امپراتور وین دی^۴ از دودمان سوئی...» مشخص است که در مورد سال سلطنت امپراتور ون اشتباه صورت گرفته‌است زیرا که امپراتور ون ((文帝 (Wendi)) بنیان‌گذار سلسله سوئی ((隋 (Suí)؛ ۵۸۱-۶۱۸ م) در سال ۵۸۱ م. این امپراتوری را تاسیس کرد و در سال ۶۰۴ م. درگذشت.

فصل سوم شامل اطلاعات مربوط به روابط دودمان‌های شمالی چین (۳۸۶-۵۳۴ م.) با پارس (ساسانیان) است. در این فصل نیز به مانند فصل‌های دیگر کتاب، چیزی که بیش از همه به چشم می‌خورد نبود معادل‌های لاتین و چینی اشخاص، مکان‌ها و کتاب‌هاست. یکی از اشکال‌های ساختاری ترجمه عدم ذکر منابعی است که نویسنده براساس آنها به نقل اطلاعات روابط چین و ایران می‌پردازد. برای مثال در ابتدای فصل اول کتاب مترجم داخل پراکنش می‌نویسد که اطلاعات از کدام قسمت و کدام منبع است اما در فصل سوم تنها در صفحات ۵۸ و ۵۹ در پایان هر پاراگراف به ذکر منبع می‌پردازد. این بی‌نظمی

موجب می‌شود محققان منبع درست اطلاعات نویسنده کتاب را ندانند. در این فصل همین‌طور نام امپراتور در ترجمه با نام امپراتور و سال حکومتش در متن اصلی تفاوت دارد. در صفحه ۶۵ مترجم جمله ذیل را این‌طور ترجمه کرده است:

魏廢帝二年，其王遣使來獻方物。

در سال دوم تیان‌خه (天和 (Tianhe)) در دوره حکومت امپراتور اوو از دودمان جوی شمالی (Wu of Northern Zhou ((北周武帝)) پادشاه آن سفیران خود را با هدایا به دربار فرستاد (جان سین لیان، ۱۳۸۵: ۶۵).

این درحالیست که « سال دوم تیان‌خه در دوره حکومت امپراتور اوو از دودمان جوی شمالی » به هیچ وجه در متن جوشو نیامده است و در اصل متن می‌بایست به شکل ذیل ترجمه شود:

در سال دوم دوره حکومت امپراتور فی (西魏廢帝 (Emperor Fei of Western Wei)) [از دودمان وی غربی] پادشاه آن [پارس] سفیران خود را با هدایا به دربار فرستاد (Linghu Defen 1971, j. 50: 920).

فصل سوم حاوی اشتباه‌های متعدد در ذکر اسامی امپراتورهای سلسله وی شمالی (Northern Wei) 北魏 نیز است. این موارد که در ترجمه یا ویراستاری اثر بوده و به‌خاطر عدم آشنایی ویراستار محترم به تاریخ و زبان چینی رخ داده، باعث شده‌است تا نام امپراتورهای چین آشفته ثبت شود. در جدول زیر برخی از این موارد ذکر می‌شود:

جدول ۲. اسامی اشخاص و دوره‌ها.

توضیحات	شکل صحیح و معادل لاتین و چینی آنها	اسم امپراتور و سال سلطنت وی آن‌طور که در کتاب آمده است	ردیف شماره صفحه در کتاب
	تای آن (Tai'an (太安))، ون چن (Wencheng (文成))	سال اول تائی آن (سال ۴۵۵ م.) در دوره امپراتور وین چن	ص ۵۸
	سال دوم خه‌پین (Heping (和平)) در دوره امپراتور ون چن	سال دوم پین در دوره امپراتور گائوزون (Gāozōng (高宗))	همان
	امپراتور شیان‌ون (Xianwen (獻文))	امپراتور وی وین دی (۴۶۶ م.)	ص ۵۹

شی زون نیز نام «آرامگاهی» امپراتور شوان‌وو است.	سال چهارم جن شی دوره امپراتور شوان‌وو (Xuanwu (宣武))	سال چهارم جن شی (Zhengshi (正始)) (۵۰۷ م.) دوره امپراتور شی زون (Shizong (世宗))	همان
	مورون وی (Murong Wei (慕容暉))	مو ژون وی	ص ۶۰
	لیوکورن (Liu Kuren (劉庫仁))	لیو کو ژن	همان
	مورون چائو (Murong Chao (慕容超))	مو ژون جوئی	همان
	یائوپین (Yao Ping (姚平))	یائوپین	همان

در فصل چهارم مترجم بخش‌های مربوط به روابط ایران و چین در متون سوئی و تانگ را به فارسی ترجمه کرده است. در قسمت روابط چین با ساسانیان و اشکانیان در سوئی‌شو، مترجم به نقل از سوئی‌شو می‌نویسد: «کشور «آن» در دوره دودمان هان قلمرو اشکانیان نامیده می‌شد. نام خانوادگی پادشاه آن جائو اوو است. پادشاه پارس با فرمانروایان کشور کان هم اصل است، اسم شخصی پادشاه شه لی دن می‌باشد» (جان سین لیان ۱۳۸۵: ۷۰). در ترجمه فوق چند اشتباه لفظی و البته اشتباه در محتوا وجود دارد که خود ممکن است نتیجه کار ویراستار کتاب باشد. این جمله که قسمتی از تاریخ سوئی‌شو است، در اصل به صورت زیر است:

安國，漢時安息國也。王姓昭武氏，與康國王同族，字設力登。

کشور «آن» (Ānguó (安國)) در دوره دودمان هان قلمرو اشکانیان نامیده می‌شد. نام خانوادگی پادشاه آن جائو اوو (Zhāow ū (昭武)) است که با فرمانروای کشور کان هم‌نژاد است و اسم شخصی پادشاه آن، لی دن (Lideng (力登)) است. (Wei Zheng, 1973: 83).

با رجوع به متن کلاسیک چینی و مقایسه دو ترجمه معلوم می‌شود که نامی از کشور پارس (Bosiguó (波斯國)) در متن چینی نیست و مترجم یا ویراستار به اشتباه نام کشور پارس را اضافه کرده است. اشتباه بعدی که واضح است به خاطر عدم آشنایی ویراستار با متن چینی بوده است، ذکر نام «شه لی دن» است که در متن اصلی «لی دن» بوده است. اما از جمله مهم‌ترین اطلاعات موجود در متون چینی درباره تاریخ ایران باستان، گزارش‌های مربوط به ساسانیان در جیوتانگ‌شو و شین‌تانگ‌شو است. کتاب در فصل چهارم قسمت‌های مهم این گزارش‌ها را ترجمه کرد اما این ترجمه گاهی ناقص و شامل اشتباه‌هایی محتوایی

و ویرایشی است. نخست اینکه جان هون‌نین برخی قسمت‌های متن جیوتانگ‌شو را که جان سین‌لان نیز در کتاب خود ذکر کرد، به فارسی ترجمه نکرده است. اهمیت این قسمت، در اطلاعات آن است که برای درک شاه‌گزینی ساسانیان مفید می‌تواند بود. در ادامه در قسمت مربوط به واپسین شاهان ساسانی در کتاب آمده است که:

پادشاه پارس شی‌لی‌لی پس از یک سال نیز مرد و دختر کوساخه به پادشاهی رسید. ولی ترک‌ها او را نیز به قتل رساندند. در این زمان، پسر شی‌لی‌لی که به روم فرار کرده بود، برگشت و مورد استقبال مردم قرار گرفت و به سلطنت رسید. این پادشاه به نام ای‌هانچی است. وی پس از دو سال مرد و پسر وی به نام ای‌سیهو به سلطنت رسید.

تطبیق متن ترجمه شده توسط جان هون‌نین در بالا با متن اصلی جیوتانگ‌شو نشان می‌دهد که مترجم باز اشتباه کرده و اصل متن به شکل ذیل بوده است:

施利立一年卒，乃立庫薩和之女為王，突厥又殺之。施利之子單羯方奔拂菻，於是國人迎而立之，是為伊恒支，在位二年而卒。兄子伊嗣候立。(Liu xu, 1975, j. 198: 5312)

[پادشاه پارس] «شی‌لی» (Shìlì (施利)) پس از یک سال مرد و دختر کوساخه به پادشاهی رسید. ولی ترک‌ها او را نیز به قتل رساندند. سپس، «شن‌جیه‌فن» (Shān jié (单羯方)) پسر شی‌لی به روم فرار کرد. کمی بعد، مردم او را مورد استقبال قرار دادند و با عنوان «یین‌هن‌ژ» (Yīn hēng zhī (尹恒支)) بر تخت نشاندند که دو سال سلطنت کرد و مرد. و برادر بزرگترش به نام «ای‌سی‌هو» (Yī sī hòu (伊嗣候)) بر تخت سلطنت نشست.

با مراجعه به اصل متن جیوتانگ‌شو چند نکته مشخص می‌شود. نخست این‌که در اصل متن نام شیرویه به صورت «شی‌لی» آمده است اما در ترجمه مترجم یا ویراستار آن را به صورت «شی‌لی‌لی» ترجمه کرده است. این خود نتیجه اشتباه در خوانش و فهم کاراکتر «لی» (立: چینی: lì) به معنی «به تخت نشستن» در جمله 施利立一年卒 است. با مقایسه ساخت این جمله که در جاهای دیگر هم تکرار شده است این اشتباه حتمی می‌شود؛ برای مثال جمله 其子施利立 که در آن کاراکتر «لی» نقش فعل را دارد و معنی جمله «پسرش شی‌لی بر تخت نشست» می‌شود. دوم آنکه مترجم در ترجمه بالا نام «شن‌جیه‌فن» را

انداخته و «ای سی هو» را پسر «یین‌هن ژ» معرفی کرده است در حالی که در متن برادر او معرفی شده است.

اشتباه‌های محتوایی در فصل ششم نیز تکرار می‌شود. حتی در برخی موارد به دلیل عدم آشنایی ویراستار کتاب اصطلاح به اشتباه ذکر می‌گردد که از اساس معنی جمله را عوض می‌کند. برای مثال، در صفحه ۱۰۶ به خوبی مشخص نیست که «سه بانو» نام شخص یا یک اصطلاح است و منظور نویسنده از جمله «سه بانو در سلسله مقام‌های دولتی در درجه پنجم است (جان سین لیان، ۱۳۸۵: ۱۰۶)». چیست؟ از آنجاکه خوانندگان فارسی زبان و حتی محققان در ایران با اصطلاح و نام‌های چینی آشنایی ندارند، تلفظ این واژه گیج‌کننده است. مطالعه منابع نشان می‌دهد که «سه بانو» در حقیقت تلفظ اشتباه عنوان سابائو (Sàbǎo (薩保)) است. در کتاب تون‌دی‌ان (Tongdian) آمده است که سابائو در سلسله مقام‌های دولتی در درجه پنجم است. (Du You 杜佑, 1988, j. 40: p. 1103)

۵. نتیجه‌گیری

کتاب «متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران» روابط ایران و چین در بازه‌ای هزاروپانصدساله را دربر می‌گیرد. با توجه به حجم بسیار اطلاعات درباره ایران باستان در متون چینی به نظر بهتر بود تا نویسنده، کتاب را در دو جلد می‌نوشت تا با حواشی و تعلیقاتی عالمانه نخستین بار دسترسی ارزشمند به متون چینی را در اختیار خوانندگان ایرانی قرار دهد. به ویژه که برخی از اطلاعات مربوط به ایرانیان باستان در متون چینی، جنبه‌های تاریک تاریخ ایران را روشن می‌سازد. اما در عمل تاکنون چنین اتفاقی میسر نشده است و این کتاب نیز نتوانسته کمبود اثری جامع از داده‌های مربوط به ایران در چین را رفع کند. درحقیقت، تاریخ روابط ایران و چین زمینه‌ای است که نیاز به برخی ابزارها به مانند تسلط بر زبان و خط کلاسیک چینی دارد. دشواری این زبان مهم‌ترین مانع در دسترسی ما به منابع چینی است که خود باعث شده نه تنها فهم تاریخ چین از زمان‌های بسیار باستان تا قرن حاضر در ایران فقیر باشد بلکه تحقیقات درباره روابط ایران و چین نیز اندک، پر از اشتباه و ضعیف ظاهر شود

عدم تسلط به زبان چینی در کنار ضعف محققان در آگاهی از تاریخ چین قرار می‌گیرد. برای مثال اگرچه کتاب «متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران» موجب شده تا

خوانندگان فارسی زبان برای نخستین بار از متون و منابع چینی مربوط مناسبات ایران و چین در دوره باستان در قالب یک کتاب برخوردار شوند، اما این اثر با اشتباه‌های فراوان محتوایی چاپ شده است که در برخی مواقع اطلاعات غلط را در دسترس خوانندگان قرار داده است. این غلط‌های محتوایی خود ناشی از عدم تسلط مترجم و ویراستار بر تاریخ چین بوده‌است. از این رو شاید راه‌حل وجود یک متولی با نگاهی تخصصی به مطالعات چین باشد تا با تعریف برنامه مشخص و دعوت از متخصصان مربوطه در درجه اول فقدان آثاری جامع و منقح درباره چین و روابط آن با ایران به زبان فارسی را رفع کند.

<p>شکل ۱: سی و دو مجسمه در سمت راست دروازه آرامگاه چیان‌لین در نزدیکی شیان، شانسی، چین.^۶</p>	
<p>شکل ۲: بیست و نه مجسمه در سمت راست دروازه آرامگاه چیان‌لین.</p>	
<p>شکل ۳: مجسمه‌ای با سری دارای موهای مجعد و سبیل که در میان سی و دو مجسمه سنگی در سمت راست دروازه آرامگاه قرار دارد.</p>	
<p>شکل ۴: نمایی نزدیکتر از آرایش موهای سر و سبیل مجسمه.</p>	

پی‌نوشت‌ها

۱. جیو تانگ‌شو یا تاریخ کهن دودمان تانگ ((Jiu Tangshu (舊唐書)) ویراسته لیو خو (Liu Xu (劉詢 (۸۸۸-۹۴۷ م.)) است.

۲. شین تانگ‌شو یا تاریخ جدید دودمان تانگ (Xin tangshu (新唐書)) توسط گروهی از دانشمندان سلسله سونگ (Song dynasty (宋朝)؛ ۹۶۰-۱۲۷۹ م.) گردآوری شده‌است.
۳. چیان‌لین آرامگاه امپراتور گائوزونگ (Gaozong) (وفات ۶۴۹-۸۳ م) و همچنین همسرش وو زتیان (Wu Zetian) بود. این بنا درهشتاد و پنج کیلومتری شمال غربی شهر شی‌آن، استان شانسی چین واقع شده‌است.
۴. لازم به ذکر است که لفظ دی (Di چینی: 帝) در زبان چینی به معنی امپراتور است و ضبط نام امپراتور چین به صورت «امپراتور وین‌دی» تنها تکرار کلمه امپراتور است که خود نشان از عدم تسلط بر زبان چینی و آشفتگی در ویرایش کتاب دارد.
۵. امپراتوران چین دارای چندین نام بوده‌اند که به نام‌های شخصی، سلطنتی و مرقدی معروف بود. به عبارت دیگر، شخص قبل از اینکه به مقام امپراتوری برسد دارای نام شخصی بود اما پس از رسیدن به امپراتوری، نام وی به نام سلطنتی تغییر نام می‌یافت. این اتفاق بعد از مرگ وی ادامه داشت به طوری که پس از مرگ، امپراتور نام و لقب مرقدی می‌یافت. برای نمونه امپراتور وین چن قبل از سلطنت توباجون (Tuoba Jun) نام داشت و پس از مرگ نیز به نام گائوزون معروف گشت.
۶. تمامی عکس‌ها توسط نویسنده در سفر به شیان در اردیبهشت ۱۳۹۶ تهیه شدند.

کتاب‌نامه

- آذری، علاءالدین، (۱۳۴۹)، «روابط ایران با کشور چین»، آذر و دی، سال پنجم - شماره ۵، ۱۹۱-۲۱۰.
- بیانی، شیرین، (۱۳۵۰)، «نظری به روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب»، بررسی‌های تاریخی، مرداد و شهریور، سال ششم - شماره ۳، صص ۱۱۱ - ۱۳۶.
- تجدد، نهال، (۱۳۷۹)، «نخستین مترجمان آیین بودا در چین». ایران‌نامه، ش. ۷۲، صص ۳۶۷-۳۷۴.
- تشکری، عباس (۱۳۵۶)، ایران به روایت چین باستان، تهران: مؤسسه روابط بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه.
- جان‌سین‌لیان. (۱۳۸۵). متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران: از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری. مترجم: جان هونگ‌نین، تهران: سازمان میراث فرهنگی، پژوهش‌شکده زبان و گویش.

آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی متون و ... (حمیدرضا پاشا زانوس) ۷۳

دریایی، تورج (۱۳۹۲)، «فرزندان و نوادگان یزدگرد سوم در چین»، در: ناگفته‌های امپراتوری ساسانی، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، تهران: کتاب پارسه.

وانگ تائو، (۱۳۹۳)، «پارت‌ها در چین: بازبینی گزارش‌های تاریخی»، پارتیان، ویراسته: وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، تهران: نشر مرکز، صص ۱۱۱-۱۳۴.

وثوقی، محمدباقر (۱۳۹۵)، میراث دریانوردان ایرانی در بنادر چین «بنادر گوانجو، چوانجو، خانجو»، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

واتسن، ویلیام (۱۳۸۳)، «ایران و چین» در: تاریخ ایران (کمبریج)، جلد سوم، قسمت اول، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

Agostini, Domenico, and Sören Stark, (2016), "Zāwulistān, Kāwulistan and the Land Bosi 波斯: on the Question of a Sasanian Court-in-Exile in the Southern Hindukush." *Studia Iranica*, no. 45, 17-38.

Ban Gu (班固). 1959. *Hanshu* (汉书). Beijing: Zhonghua shuju, j(vol). 96a.

Compareti, M. (2009) 'Chinese-Iranian Relations, xv. The Last Sasanians in China,' in *Encyclopædia Iranica*, Online Edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/china-xv-the-last-sasanians-in-china>

Daryaei, T. (2003). "The Sons and Grandsons of Yazdgerd in China" *Iranshenasi, A Journal of Iranian Studies*, XV, no. 3, 540-548.

De la Vaissière, Étienne, (2003), "Sogdians in China: A Short History and Some New Discoveries". *Silk road Journal*, Vol. 1, No. 2, The Silkroad Foundation, pp. 23-27.

Dien, Albert E. (1962). "The 'sa-pao' Problem Re-examined". *Journal of the American Oriental Society*. Volume 82.

Du You 杜佑, (1988), *Tongdian* 通典, Beijing: Zhonghua shuju, j. 40.

Fan, Yingfeng, Luo Changan, and Zhang Yongxiang, (2005), *Qianling*, Shaanxi: Shaanxi Tourism Press.

Forte, A. (1999). 'Iranians in China : Buddhism, Zoroastrianism, and Bureaus of Commerce' *Cahiers d'Extrême-Asie*, vol. 11, 277-290.

Forte, A. (1996) 'On the So-Called Abraham from Persia. A Case of Mistaken Identity', in P. Pelliot, L'inscription nestorienne de Si-Ngan-Fou, ed. A. Paris: Collège de France, Institut des Hautes Etudes Chinoises. pp. 375-428.

Hinz, W., (1969), *Alt-iranische Funde und Forschungen*, Berlin.

Göbl, R., (1971), *Sasanian Numismatics*, Braunschweig.

Hirth, Friedrich (1917), "The Story of Chang K'ien, China's Pioneer in Western Asia: Text and Translation of Chapter 123 of Ssi-Ma Ts'ien's Shih-Ki," *Journal of the American Oriental Society*, Vol. 37, pp. 89-152.

- Hourani, George. (1947), "Direct Sailing between the Persian Gulf and China in Pre-Islamic Times", *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, No. 2, pp. 157-160.
- Li Donghua (2017), *A Self-educated Historian*, Taiwan: Taiwan Resource Center for Chinese Studies at UW-EAL.
- Linghu Defen. (1971), *Zhoushu*, Beijing: Zhonghua shuju, j. 50.
- Liu Xu 刘昫, (1975), "Western Barbarians", *Old Books of the history of Tang Dynasty [旧唐书·西戎]*, Volume 198, Biographies/lives 148, Chinese publisher, pp.5311-5313
- Ma Baozhu (2007), *Summary of the 20th Century's Chinese Historical Works*, Beijing: Beijing Normal University Press.
- Marshak, B. I., (1986), *Silberschätze des Orients: Metallkunst des 3.-13. Jahrhunderts und ihre Kontinuität*, Leipzig: E.A. Seemann Verlag.
- Ou Yangxiu, Songqi, (1975), "Western Regions" II, *New Books of the history of Tang Dynasty*, Volume 221(II), Biographies/lives 146(II).
- Pasha zanous, Hamidreza and Esmail Sangari, (2018), "The Last Sasanians in Chinese Literary Sources: Recently Identified Statue Head of a Sasanian Prince at the Qianling Mausoleum," *Iranian Studies*, vol. 51, Issue 4, 499-515.
- Rong Xinjiang, (2006), "New light on Sogdian Colonies along the Silk Road - Recent Archaeological Finds in Northern China," *Berlin-Brandenburgische Akademie der Wissenschaften. Berichte und Abhandlungen*, Band 10, Berlin: Akademie Verlag, pp. 147-160.
- Rong Xinjiang, (2000), "Research on Zoroastrianism in China, 1923-2000," Translated by Bruce Doar, *China Archaeology and Art Digest* 4, no. 1 (December), pp. 7-13.
- Sima Qian, (1959), *Shiji*, Beijing, Zhonghua shuju, j. 123, pp. 3162-63, 3169-70.
- Sivin, N. (1968), *Chinese Alchemy: Preliminary Studies*, Cambridge (Mass.): Harvard University Press
- Wei Zheng 魏征, (1973), *Suishu 随书*, Beijing: Zhonghua shuju, j. 7.
- Wilkinson, E. (2000), *Chinese history, a manual revised and enlarged*, Cambridge (Massachusetts) and London, Harvard University Press.
- Zhang Hongnian (2003), *《波斯文学史》* [History of Persian Literature] (in Chinese), Beijing: Kunlun Press.
- Zhang Xinglang. (1977), *The Collection of the Historical Materials of Communications between China and the West (《中西交通史料汇编》)* (in Chinese), Six Volumes, Beijing: Zhonghua Book Co.
- Zhou Xiuqin, (2009), The Mausoleum of Emperor Tang Taizong, in: *Sino-Platonic Papers*, Number 187, Dept. of Asian and Middle Eastern Studies, Philadelphia, University of Pennsylvania.